

پروین اعتصامی، شاعری صادق و یک‌روی



در گفت و گو با: دکتر اصغر دادبه

گفت و گو از: حسن اسدی تبریزی

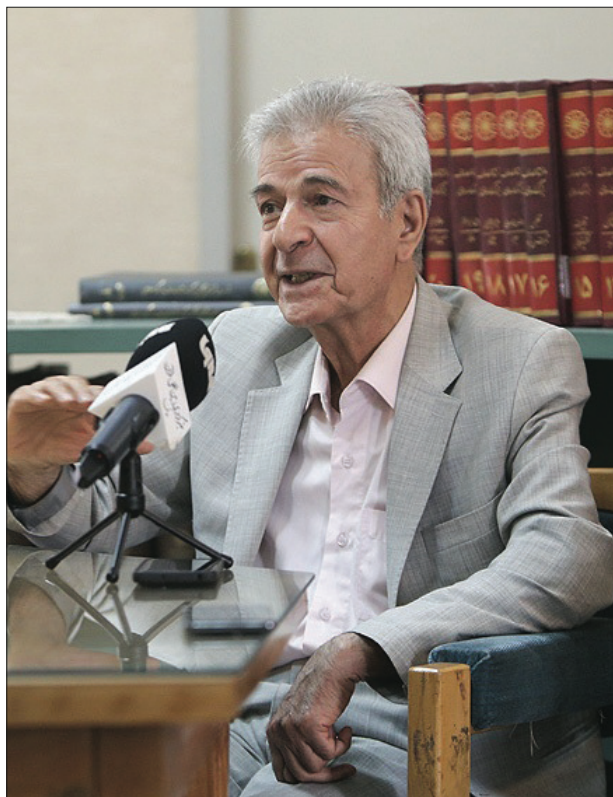
بیست و پنجم اسفند، زاد روز پروین اعتصامی، با عنوان روز بزرگداشت پروین اعتصامی در تقویم نام‌گذاری شده است. پروین شاعری بلند آوازه است و عموم علاقمندان به ادب فارسی با نام و شعر او آشنا هستند و درباره پروین سخن بسیار گفته شده است و به نظر می‌آید بسیاری از این سخن‌ها باید از صافی نقد بگذرد و ادیبان و پژوهشگران ممتاز درباره پروین سخن بگویند. به همین مناسبت و از این رو با استاد دکتر اصغر دادبه (استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی، چهره ماندگار کشور در حوزه ادبیات و مدیر بخش ادبیات مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی) گفت و گوی کوتاهی انجام داده‌ایم. گفتنی است مدخل «پروین اعتصامی» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، که در جلد سیزدهم این دایرةالمعارف منتشر شده است، توسط دکتر دادبه و با همکاری دکتر علی میرانصاری پژوهش و نگارش شده است.

● پروین اعتصامی از جمله شاعرانی است که این توفیق را پیدا کرده است که به ذهن و زبان عموم مردم راه یابد و دوستان و مخاطبان ادب فارسی، شعر او را تکرار و زمزمه کنند و در بیان احوالات روحی گوناگون از شعر او استمداد می‌طلبند. به نظر شما راز این توفیق در چیست و دلیل موفقیت پروین را عمدتاً در چه می‌دانید؟

مقبولیت و محبوبیت هر شاعر معلول سه عامل است: چگونه گفتن، چه گفتن و صداقت (شخصیت یک‌روی یک‌جهت). پروین، بی‌گمان دارای شخصیتی یک‌جهت و یک‌روست، در چگونه گفتن، پایگاهی بلند دارد و مسائلی را که در شعر خود طرح می‌کند مسئله مردم است:

در تحلیل چگونه گفتن باید بگوییم که عبارت است از بیان هنری مسائل مختلف در شعر. پروین، چونان دیگر شاعران آن دوران، پیرو مکتب «بازگشت ادبی» است که مراد از آن در سرودن قصیده و قطعه بازگشت به شیوه شاعران سبک خراسانی و در سرودن غزل، بازگشت به روش شاعران سبک عراقی است. پروین که از نوجوانی با شاعران بزرگ آن دوران، ملک‌الشعرای بهار، دهخدا و پدرش یوسف اعتصام‌الملک نشست و برخاست داشت چند و چون شعر را نیک آموخت و با آثار شاعران بزرگ سبک خراسانی، از جمله ناصر خسرو، فرخی سیستانی و انوری به خوبی آشنا شد و با شیوه آنان انس گرفت و بر زبان ساده و در عین حال هنرمندانه آنان چیره شد و به خلق زبان هنری خود نائل آمد؛ زبانی ساده چونان زبان شاعران خراسان و در عین حال هنری و مؤثر که یادآور زبان سعدی است. برای نمونه از دو قطعه معروف شاعر یاد می‌کنیم:

سیر یک‌روز طعنه زد به پیاز	که تو مسکین چقدر بدبویی
گفت: از عیب خویش بی‌خبری	زان ره از خلق عیب می‌جویی
گفتن از زشت رویی دگران	نشود باعث نکو رویی
تو گمان می‌کنی که شاخ گلی؟!	به صف سرو و لاله می‌رویی؟!
یا که هم‌پوی مشک تاتاری	یا ز ازهار باغ مینویی
خویشتن بی‌سبب بزرگ مکن	تو هم از ساکنان این کویی...



یا قطعه:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
فریاد شوق بر سر هرکوی و بام خاست
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
دانیم این قدر که متاعی گرانبه‌است

تا آنجا که:

نزدیک رفت پیر زنی گوزپشت و گفت: این اشک دیده من و خون دل شماست....

زبان ساده است و مفهوم و تاثیرگذار...

در مورد چه گفتن اگر بخواهیم توضیح دهیم باید بگوییم که عبارت است از مضامین و مسائل و معانی که شاعر، هنرمندانه در سخن شاعرانه خود مطرح می‌کند و عادی‌ترین و معمولی‌ترین مفهوم و معنا را به‌گونه‌ای جلوه می‌دهد که به نظر بدیع می‌نماید. این مفاهیم و

معانی هر چه مردمی تر باشد، مؤثرتر و ماندنی تر است. در مفهوم و معنای دو قطعه‌ای که مثال آورده شد تأمل کنیم:

در قطعه مناظره «سیر و پیاز» خودپسندی و خودبینی نقد شده است که هم عیبی بشری است و دریغا که از عیوب بزرگ وطنی نیز هست. همچنین ندیدن عیب بزرگ خود و دیدن عیب کوچک دیگران. مثلی است رایج که: «فلان کور خود است و بینای دیگران» یعنی عیب‌های خود نمی‌بیند و عیب دیگران را می‌بیند! آیا بهتر از این می‌توان به نقد چنین عیبی پرداخت؟ در قطعه دوم، قطعه «اشک یتیم» آشکارا دیکتاتوری و تضييع حق و حقوق مردم، دلیرانه و هنرمندانه نقد شده است.

یک قطعه دیگر، اکنون از ذهنم گذشت؛ قطعه «گرگ و سگ» که در آن از یک سو تجاوز و حق‌کشی اربابان و به تعبیر فرنگی‌مآبان تجاوز و حق‌کشی «فتوئدال‌ها» مورد نقد قرار گرفته و از سوی دیگر بر میهن‌دوستی و جان‌فشانی در دفاع از میهن، با همان زبان ساده و مؤثر تأکید شده است:

پیام داد سگ گله را شبی گرگی	که صبحدم بره بفرست میهمان دارم...
جواب داد: مرا با تو آشنایی نیست	که رهزنی تو و من نام پاسبان دارم...
مرا گران بخریدند تا به کار آیم	نه آن که کار چو شد سخت، سرگران دارم...
رفیق دزد نگردم به حيله و تلبیس	که عمرهاست به کوی وفا مکان دارم...
مرا نکشته به آغل درون نخواهی شد	دهان من نتوان دوخت تا دهان دارم...

صداقت یا شخصیت یک‌روی یک‌جهت، سومین عامل و تأثیرگذارترین عاملی است که موجب می‌شود شاعر مردمی شده و مقبول شود و به تعبیر خواجه «مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود». برآنم یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین آن «صد نکته غیر حسن» که حافظ شرط مقبولیت سخن شاعر می‌داند همانا صداقت و یک‌جهتی شاعر است. شخصیت شاعر صادق یک‌جهت در شعر او سریان می‌یابد و به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیر عمل می‌کند. در صداقت و یک‌جهتی پروین کمترین تردید نمی‌توان داشت.

آری صادقانه و دردمندانه از دردها و آرمان‌های مردم سخن گفتن است که پروین را مقبول خاص و عام ساخته است.

● نکته دیگری که در مورد پروین جای تأمل و تحقیق دارد جنبه قالب و سبک ادبی اوست. دیوان پروین اثری تقریباً یک دست و پخته و سنجیده است. با این که می‌دانیم پروین در سنین جوانی در گذشته و فرصت کمی برای خلاقیت ادبی داشته، با وجود این، دیوانی یکدست و منسجم از او به یادگار مانده است. سبک پروین در قالب سبک‌های ادبی مرسوم قابل تعریف است یا سبک خاص خود را دارد؟ این پختگی در زبان و انسجام شعری حاصل چیست و چه عوامل و شخصیت‌هایی بیشترین تأثیر را در این مورد داشته‌اند؟

هر شاعر نخست، پیرو سبکی است که در زمان او بر شعر و ادب حاکم است و از آن در اصطلاح سبک‌شناسان به «سبک دوره» تعبیر می‌شود. در روزگار پروین، چنانکه در جریان پاسخ دادن به نخستین پرسش گفتم، سبک دوره، سبک یا مکتب «بازگشت ادبی» بود و پروین از آن پیروی می‌کرد، چنان که سبک دوره در روزگار سعدی و حافظ، سبک عراقی بود و این دو شاعر بی‌همال نیز از این سبک پیروی می‌کردند. شاعران بزرگ در عین پیروی از سبک دوره، شیوه‌ها و روش‌هایی شخصی نیز دارند که اصطلاحاً بر آن نام «سبک

”

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شرط مقبولیت سخن شاعر همانا صداقت و یک‌جهتی شاعر است. شخصیت شاعر صادق یک‌جهت در شعر او سریان می‌یابد و به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیر عمل می‌کند. در صداقت و یک‌جهتی پروین کمترین تردید نمی‌توان داشت. آری صادقانه و دردمندانه از دردها و آرمان‌های مردم سخن گفتن است که پروین را مقبول خاص و عام ساخته است.

“

شخصی» نهاده‌اند؛ سبکی که موجب می‌شود تا سخن آفریننده آن در میان سخن دیگر شاعران خود را نشان دهد و اهل سخن، آن را از دیگر سخنان بازشناسند. بازشناسی سخن شاعران بزرگ، از جمله سخنان بی‌مانند سعدی و حافظ، از سوی اهل شعر و ادب بر این بنیاد صورت می‌پذیرد. بی‌گمان، پروین دارای سبک شخصی خویش نیز است. به همین سبب اهل شعر و ادب، سخنان او را از دیگر سخنان بازمی‌شناسند. غیر از لحن ویژه و نحوه خاص بیان هر شاعر که از ویژگی‌های زبان شاعرانه اوست و پروین نیز لحنی ویژه و نحوه بیان خاص خود را دارد؛ لحن و بیان برخاسته از زبان شاعرانه او، مناظره‌هایی چون مناظره‌هایی که به برخی از آنها پرداختیم و مناظره‌هایی چون مناظره «عدس و ماش» و همانند آنها هم از زنانگی شعر پروین حکایت‌ها بازمی‌گوید، هم از ویژگی‌های سبک شخصی او محسوب می‌شود. به‌طور کلی تعبیراتی چون نخود و ماش سیر و پیاز و سوزن خیاطی و دیگر واژه‌ها و تعبیرهایی که معمولاً زنان با آن سر و کار دارند، با نحوه استفاده هنرمندانه از آنها به قصد پرداختن مضامینی شاعرانه از ویژگی‌های شعر پروین و از لوازم سبک شخصی اوست:

پروین، چگونه جامه تواند برید و دوخت آن‌کس که نخ نکرده به یک عمر سوزنی یا:

با دوک خویش پیرزنی گفت وقت کار دیروز خواستم چو به سوزن کنم نخ‌ی و یا:

شب شد و پیر رفوگر ناله کرد هرچه امشب دوختم بشکافتم چشم من چیزی نمی‌بیند دگر کای خوش آن چشمی که گرم خفتن است... این نخستین مبحث نادیدن است کار سوزن کار چشم روشن است...

استفاده از این تعبیرها، جمله با هدف نقد نابسامانی‌هاست و به‌کارگیری این شیوه است که گذشته از نمودن سبک شخصی پروین، حکایتگر تعهد اجتماعی و انسانی این شاعر بزرگ نیز هست و مجموع همین روش‌ها و همین معانی است که او را نزد مردم شاعری محبوب می‌کند.



و اما این که چگونه در عمری کوتاه چنین تجربه‌ای به بار آمده و چنین شاعری بزرگ ظهور کرده است.

پاسخ این است که این امر به هیچ روی نه شگفتی‌برانگیز است، نه امر ناشدنی و خلاف طبیعت. مگر منوچهری دامغانی، آن شاعر توانا و چیره‌دست، چند سال عمر کرد؟ ۳۴ سال، یک سال کمتر از پروین که درازای عمرش ۳۵ سال بود. در شدنی بودن و حتی طبیعی بودن این امر به چند نکته توجه کنیم:

نخست آنکه علمای تعلیم و تربیت می‌گویند آدمی تا پنج سالگی بیشترین توانایی را در یادگیری داراست. پنج سالگی اوج منحنی یادگیری است. این منحنی پس از پنج سالگی سر در نشیب دارد، یعنی از توانایی در یادگیری کاسته می‌شود. اگر شرایط آموزش و پرورش آماده باشد می‌توان از این توانایی بهره‌ها برد. زندگی پروین نشان می‌دهد که از کودکی و نوجوانی (چنانکه در بحث پیشین بدان پرداختیم) در فضای شعر و ادب پرورش یافته و آنچه

باید بیاموزد آموخته است. با شعر زیسته و پرورش یافته و در فضای شاعرانه تنفس کرده است. دیگر آنکه توانایی یادگیری، در قیاس با توانایی یادگیری تا پنج سالگی، به تدریج رو به کاهش می‌نهد، اما همچنان در اندازه‌ای درخور توجه، به ویژه در نوجوانی و جوانی باقی است و در کار یادگیری، اگر با روش درست همراه شود، کارستان می‌کند. ابن سینا در شرح حال خودنوشت خود می‌گوید: تمام دانش‌های روزگار خود را تا هجده سالگی آموخته، تا بیست و یک سالگی دوره کرده و پس از آن هرچه گفته است دریافت‌های خود اوست. پروین به گواه شرح احوالش در نوجوانی و جوانی در کنار پدری چون یوسف اعتصام‌الملک و در جوار بزرگانی چون دهخدا و ملک‌الشعراى بهار و نصرالله تقوی بهره‌ها برده و دانش‌ها به‌دست آورده و شاعری توانا و دردمند شده‌است و به‌درستی ارزش و اهمیت کار خود را دریافته و سروده است:

من این ودیعه به‌دست زمانه می‌سپرم زمانه زرگر و نقاد هوشیاری بود
سیاه کرد مس و روی را به کوره وقت نگاهداشت به هر جا زر عیاری بود

و می‌بینم ناقد زمانه، در مقام ناقدی هوشیار، چسان زر عیار سخن ارجمند پروین را نگاهداشته و ارج نهاده است.

بلوغ هنری عامل مؤثر دیگری است که البته الزاماً در سنین بالا به بار نمی‌آید. بسا که در جوانی و میانسالی به بار آید. منوچهری پیش از ۳۴ سالگی به بلوغ هنری می‌رسد و حافظ، حدود ۳۵ سالگی غزل‌های بلندی چون:

یاد باد آنکه سر کوی توأم منزل بود دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود...
و:

یاد باد آنکه نهانت نظری با ما بود رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود...
را سروده است و طبق تحقیق زنده‌یاد دکتر غنی، خواجه اشعاری را که با تعبیر «یاد باد» آغاز می‌شود یا چنین حال و هوایی در آن است، در همان سال‌های پس از قتل شاه شیخ ابواسحاق سروده است.

و چنین است که تحقق بلوغ هنری پروین اعتصامی، پیش از ۳۵ سالگی، که سال درگذشت اوست، نه تنها شگفتی برانگیز نیست که طبیعی هم هست.

● در زمینه محتوای اشعار پروین نکات زیادی قابل طرح است و در مقالات و کتاب‌ها طرح شده است اما موضوعی وجود دارد که کمتر به آن پرداخته شده است. پروین به موضوعاتی مثل فقر و یتیمی بسیار پرداخته است و ظلم‌ستیزی و عدالت‌دوستی و عدالت‌طلبی در اشعار او آشکار است. پروین زندگی نسبتاً مرفه و خوبی داشته است و می‌توان گفت خود چنین تجربه‌هایی نداشته است. آیا این توجه به فقر و محرومیت در شعر و اندیشه پروین اصیل است یا پروین در این زمینه تحت تأثیر ادیبان و نویسندگان دیگری بوده است؟ برای روشن شدن سوالم مثالی می‌زنم. ملاصدرا کتابی دارد با عنوان *کسر اصنام الجاهلیه* که در نقد و رد تصوف دروغین نوشته است. مرحوم دکتر جهانگیری در مقدمه‌ای که بر تصحیح خودشان از این کتاب نوشته، اشاره کرده که مطالب مطرح شده از سوی صدرالمتألهین در این کتاب سخن تازه‌ای نیست و اکثر مطالب آن را از منابع دیگر نقل کرده است و به نوعی تلخیص *احیا علوم‌الدین* غزالی است و به تعبیر دیگر سخنان مطرح شده در این کتاب به شرایط اجتماعی عصر ملاصدرا ناظر نیست. آیا ظلم‌ستیزی و حساسیت نسبت به فقر و مشکلات یتیمان و مواردی از این دست ناظر به زندگی فردی و وضعیت سیاسی و اجتماعی دوران زندگی پروین هست یا تحت تأثیر منابع و آثار نویسندگان و شاعران دیگر این مضامین در شعر پروین شکل گرفته‌اند؟

گمان می‌کنم پاسخ این پرسش در پاسخ‌هایی به دو پرسش، پرسش اول و پرسش دوم، داده‌ام، نهفته است:

یکم) صداقت: وقتی از صداقت و یک‌جهتی پروین سخن می‌گوئیم نقادی‌های او از فقر و یتیمی و تبعیض و بی‌عدالتی هم صادقانه خواهد بود. پذیرفتنی نیست که بخشی از عملکرد شاعر صادق، صادقانه باشد و بخشی صادقانه نباشد!

دوم) تأثیرگذاری: همچنین باید بدین معنا توجه کرد که سروده‌های پروین، چنانکه خود در پرسش اول مطرح کرده‌اید، تأثیرگذار بوده است که اگر تأثیرگذار نبود «راه‌یافتن به ذهن و زبان مردم و تکرار اشعار او از سوی علاقمندان به شعر و زمزمه شعر او از سوی آنان» چه معنایی

می‌تواند داشت؟ سخنانی که از سر تجربه گفته نشود تأثیرگذار نیست. دیده‌ایم که بعضی از شاعران سنت‌گرا، فی‌المثل به تقلید از حافظ به نقد زاهد می‌پردازند، اما این سخنان نه فقط تأثیری برجای نمی‌نهد و در ذهن‌ها نمی‌ماند و بر زبان‌ها نمی‌رود که گاه مضحک می‌نماید، زیرا صرفاً تقلید است و از تجربه در آن خبری نیست.

سوم) طبقه متوسط: تا آنجا که من خوانده‌ام و تحقیق کرده‌ام، به تعبیر امروزی‌ها، پروین و خانواده او به طبقه متوسط تعلق دارند، نه به طبقه اشراف بی‌درد. اشراف از تبعیض و بی‌عدالتی و فقر بی‌خبرند و این معانی را حس نمی‌کنند یا نمی‌خواهند حس کنند. وابستگان به طبقه متوسط، به ویژه اگر فرهیخته باشند و اهل دانش با همه وجود تبعیض، فقر و بی‌عدالتی را حس می‌کنند. فی‌المثل می‌دانند و حس می‌کنند که کودک گرسنه یتیم که به تعبیر سعدی «نان جوین معشوق» اوست باید بپرسد: «این تابناک چیست که بر تاج پادشاست؟!» و درد و رنج پیرزنی را که می‌گوید: «این اشک دیده من و خون دل شماست» به خوبی در می‌یابند و با درد و رنج‌ها و مشکل‌هایی از این دست بیگانه نیستند. گذشته از این معانی تا آنجا که می‌دانیم پروین در برج عاج نمی‌نشسته، با مردم در ارتباط بوده و درد و رنج‌های مردم را می‌دیده است. خود نیز برخی نابسامانی‌ها و پاره‌ای رنج‌ها را تجربه و تحمل کرده است.

”

شاعران بزرگ در عین پیروی از سبک دوره، شیوه‌ها و روش‌هایی شخصی نیز دارند که اصطلاحاً بر آن نام «سبک شخصی» نهاده‌اند؛ سبکی که موجب می‌شود تا سخن‌آفریننده آن در میان سخن‌دیگر شاعران خود را نشان دهد و اهل سخن، آن را از دیگر سخنان بازشناسند. بازشناسی سخن شاعران بزرگ، از جمله سخنان بی‌مانند سعدی و حافظ، از سوی اهل شعر و ادب بر این بنیاد صورت می‌پذیرد. بی‌گمان، پروین دارای سبک شخصی خویش نیز است.

“

بی‌مبالغه سروده‌های پروین، جمله نقد نابسامانی‌هاست؛ ناله است، فریاد است، نقد است، بیان درد و رنج مردم دردمند و رنج‌کشیده‌ای است که همه عمر می‌سوزند و می‌سازند و به تعبیر امروزی‌ها پروین صدای آنهاست؛ صدای آنهاست با زبان شاعرانه و بیان هنرمندانه. براستی شعر پروین از یک‌سو نقد است؛ نقد آنچه هست و مطلوب نیست و از سوی دیگر تصویری است از آنچه باید باشد و نیست و باید برای بودنش و تحقق‌یافتنش کوشید؛ کوشیدنی که با پیش چشم آوردن ناروایی‌ها و نابسامانی‌ها و نقادی آنها موجب می‌شود تا بایسته‌ها، تا آنچه باید باشد و نیست، در برابر چشمان مخاطبان شعر او مصور شود و زمینه‌ساز آگاهی و سرانجام تحول گردد؛ آنجا که پیرزنی با دوک خویش درددل می‌کند و از نامرادی‌های خود و از فقر خویش باز می‌گوید:

با دوک خویش پیرزنی گفت وقت کار کاوخ ز پنبه ریشتم موی شد سپید...
آنجا که:

به سر خاک پدر دخترکی صورت و سینه به ناخن می‌خست
و به درد می‌نالده: «پدرم مرد ز بی‌داری / و ندرین کوی سه داروگر هست» و از رنج بی‌حاصل شصت‌ساله پدرش شکوه سر می‌کند..
و آنجا که طفلی یتیم، کوزه استاد خود را، که برای آوردن آب، با خود برده است، می‌شکند و می‌گرید که: «که مرا پای خانه رفتن نیست»؛ «چکنم اوستاد اگر پرسد / کوزه آب از اوست از من نیست». سپس از نامرادی‌های خود، از بی‌مادریش، از فقر و نداشتن و از آرزوهایش سخن می‌گوید... نمونه‌هایی است از هنر متعهد پروین و هریک مثنی است نمونه خروار که شاعر خود، با هریک چنان درآمیخته که توگویی در هر مورد تجربه‌ای از تجربه‌های خود را باز می‌گوید و به همین سبب شاهد تأثیری ژرف و ماندگار بر مخاطبان شعر او هستیم. چاپ مکرر دیوان این شاعر بزرگ، به صورت‌های مختلف از یک‌سو و انس اهل شعر و ادب با اشعار او، حتی به‌حافظه سپردن و بر زبان راندن برخی از سروده‌های او مثبت مدعای ماست.